

فصلنامه دانش انتظامی سمنان ، دوره سیزدهم ، شماره چهل و هشتم ، تابستان ۱۴۰۲

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۲/۰۳/۱۵

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۲/۰۴/۱۶

صفحات: ۹۷ - ۷۹

جستاری بر شاخصه‌های فقهی حدود مسئولیت کیفری در حوزه سرقت حدی با تاکید بر حالت اضطرار

نویسندگان:

کاظم قهرمانلوستی^{۱*}، محمد روحانی مقدم^۲

چکیده

امنیت اموال و مالکیت در اکثر نظام‌های حقوقی دنیا به عنوان یک خط قرمز حاکمیت‌ها مورد شناسایی قرار گرفته است. معمولاً سرقت از جمله جرائمی است که تمامی حاکمیت‌ها ضمانت‌های اجرایی کیفری قوی برای آن در نظر گرفته‌اند. در فقه اسلامی ضمن تقسیم بندی انواع سرقت به حدی و تعزیری که هر یک شاخص‌های خاص خود را دارند. برای آن مجازات‌های متنوعی در نظر گرفته است که در سرقت تعزیری «حالت اضطرار» به عنوان یکی از عوامل رافع مسئولیت کیفری است. در این مقاله با رویکردی توصیفی تحلیلی از طریق روش کتابخانه‌ای و اسنادی در پی پاسخ به این سؤال هستیم: براساس شاخص‌های فقهی و حقوق کیفری اضطرار در سرقت حدی نوعاً موجب مسئولیت است یا خیر؟ به نظر می‌رسد در سرقت حدی با در نظر گرفتن قاعده دراء موضوع ماده (۱۲۰) ق.م.ا. ۹۲ و اصل برائت فرد را از مسئولیت کیفری میرا می‌سازد ولی به عقیده نگارندگان ضمانت مدنی در شرایط اوضاع احوال عادی پابرجا خواهد بود.

کلید واژه ها : سرقت حدی، تعزیری، مسئولیت کیفری، اضطرار، مجازات

۱: دانشجوی دکتری تخصصی حقوق کیفری و جرم شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، سمنان - kazem7292@gmail.com

۲: دانشیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد سمنان، دانشگاه آزاد اسلامی، سمنان، r@gmail.com113rohani

مقدمه

جرائم حدی تعداد محدودی هستند و بیشتر جرائم در طول زمان با توجه به نیازهای جامعه تعریف و مجازات آنها تعیین شده است، یکی از این موارد محدود سرقت حدی است. سرقت حدی نوعی از جرم سرقت است که عناصر آن اعم از سارق، فعل سرقت، مال سرقت شده و مالک مال با شرایط مقرر هر کدام در شرع تطابق دارد. در منابع بیان شده که جرائم موجب حد به دسته‌ای از جرائم گفته می‌شود که شرایط و کیفیت جرم و مجازات آن در شرع آمده باشد، جرائم موجب حد در احکام تکرار جرم، تعدد جرم، تخفیف یا عفو نیز با سایر گروه جرائم متفاوت بوده و احکام خاص خود را دارا هستند، همچنین برخی از شروط به طور عام باید وجود داشته باشد. به موجب ماده ۲۱۷ قانون مجازات اسلامی، در جرائم موجب حد برای مسئول دانسته شدن مرتکب، نه تنها شرایط عمومی مسئولیت کیفری باید وجود داشته باشد و شخص بداند که مرتکب جرمی می‌شود و نیز قصد ارتکاب آن جرم را داشته باشد، بلکه باید نسبت به حرمت شرعی رفتار ارتكابی خود نیز آگاهی داشته باشد. به دیگر سخن، چنانچه مرتکب نداند مرتکب رفتاری می‌شود که در شرع حرام و مشمول مجازات اعلام شده، مجازات حدی به وی تعلق نمی‌گیرد و در صورت جمع بودن شرایط می‌تواند مشمول یکی از مجازاتهای تعزیری شود. جرائم موجب حد معمولاً مجازات‌های شدیدتری نسبت به جرائم تعزیری مشابه دارند، اما شارع برای رفع اتهام از مرتکب شرایط آسان تری نسبت به جرائم تعزیری قائل شده است. برای مثال اگر در جرم حدی متهم ادعا نماید که در زمان ارتکاب جرم یکی از موانع مسئولیت کیفری را داشته و یا آن که علم و قصد به ارتکاب جرم نداشته، و شرایط عمومی قضیه به نفع او باشد به گونه‌ای که احتمال صحت ادعای وی داده شود، احتیاجی به ارائه مدارک یا بیان سوگند نیست و ادعای وی پذیرفته می‌شود. اینجا به حالت اضطرار می‌رسیم؛ اضطرار یکی دیگر از اصطلاحاتی است که در علم حقوق وجود دارد و هم در امور حقوقی به کار می‌رود و هم در امور کیفری اضطرار در امور حقوقی به این معناست که شخص در وضعیتی قرار بگیرد و ناچار شود عملی حقوقی انجام دهد. در حقیقت می‌توان چنین گفت که حالت اضطرار زمانی محقق می‌شود که فرد در معرض خطری قرار بگیرد و برای آن که از آن خطر نجات یابد به ناچار و از روی عمد عمل مجرمانه‌ای انجام دهد. به لحاظی دیگر می‌توان چنین گفت که وضعیت اضطراری حالتی است که فرد ناگزیر است که از میان دو راه که یکی از آنها پیروی از دستور قانون و عدم انجام جرم و در نتیجه ورود ضرری هنگفت است و راه دیگر انجام دادن جرم برای جلوگیری از وقوع آن ضرر هنگفت است، یکی را برگزیند. پس رافع مسئولیت کیفری است. در این مقاله با رویکردی توصیفی تحلیلی از طریق روش کتابخانه‌ای و اسنادی در پی پاسخ به این سؤال هستیم: براساس شاخص‌های فقهی و حقوق کیفری اضطرار در سرقت حدی نوعاً موجب مسئولیت است یا خیر؟ به نظر می‌رسد در سرقت حدی با در نظر گرفتن قاعده دراء موضوع ماده (۱۲۰) ق.م.ا. ۹۲ و

اصل برائت فرد را از مسئولیت کیفری مبرا می‌سازد ولی به عقیده نگارنده ضمانت مدنی در شرایط اوضاع احوال عادی پابرجا خواهد بود.

مبانی نظری

در حقوق کیفری با توجه حساسیتی که وجود دارد اصل بر برائت و بخشش افراد در شرایط انگیزشی مختلف است، بر این اساس عوامل رافع مسئولیت کیفری هم در حقوق موضوعه هم در فقه جزایی مورد توجه فقها بوده است، پس مبانی نظری در این رویکرد پژوهشی بر اصل فقهی حقوقی برائت استوار خواهد بود. اصل برائت یا فرض برائت یا اصله البرائة بر اساس ماده ۱۱ اعلامیه جهانی حقوق بشر بیان می‌دارد: «هر شخصی» که متهم به ارتکاب یک جرم کیفری می‌شود حق دارد که بی‌گناه فرض شود مگر این که تقصیرش، مطابق قانون در یک دادگاه علنی که در آن تمامی تضمین‌های لازم برای دفاع پیش‌بینی شده باشد، ثابت شود.» البته دیدگاه ادیان مختلف در مورد اصل برائت می‌تواند قابل تأمل باشد. (گل خندان و دیگران: ۱۳۸۹: ص ۱۴۹) از آنجا که آزادی، لازمه وجودی انسان و به عنوان یکی از حقوق فطری، غایت مطلوب جامعه بشری است، همگان باید به آن با دیده احترام بنگرند و از تعرض نسبت به آن احتراز کنند. اما ماجراجویی‌های متداول در جامعه و تجاوز افراد به حقوق یکدیگر موجب پذیرش و تأسیس اصل مسئولیت کیفری و در نتیجه، اعمال محدودیت بر آزادی افراد متجاوز شده است. با فرض مذکور، در جریان کشف جرم، تعقیب و مجازات مجرمین، ممکن است بزهکاری افراد تحت تعقیب و مورد اتهام هنوز به اثبات نرسیده باشد و مقامات مسئول با تردید مواجه شوند. در چنین حالتی، حکم به محکومیت و اعمال مجازات نسبت به فردی که هنوز انتساب جرم به او محرز نشده است، دور از انصاف خواهد بود. (گندمانی و دیگران: ۱۳۹۷: ص ۹)

البته در اینجا نظر به اینکه سرقت حدی در حالت اضطرار ملاک نظر است، نظر به دستور صریح شرع مقدس و مضاف بر آن ماده ۱۲۰ قانون مجازات اسلامی مص ۱۳۹۲ مبنی بر وجود قاعده درء و تلفیق آن با اصل برائت می‌توان از آنها وحدت ملاک به عنوان مبانی نظری گرفت: امروزه اهمیت و نقش کاربردی قواعد فقه در پاسخگویی به مسائل حقوقی و فقهی به ویژه در مسائل پیچیده نوظهور بر هیچ کس پوشیده نیست و حل بسیاری از پرسش‌های فقهی و حقوقی بدون استناد به قواعد مزبور، برای فقها و حقوقدانان بسیار مشکل و بعضاً غیرقابل دسترس است؛ بدین جهت در فقه اسلامی و در طیف وسیعی از قوانین عرفی دنیای امروز از جمله کشور ما آثار وجود این قواعد فقهی مانند قواعد لاضرر، صحت، بینة، درأ و برائت، عیناً و یا مضموناً به خوبی مشهود است. این قواعد از جمله «قاعده درأ» و بعضاً «برائت» در تمام شبهات جریان دارند. بنابراین اگر حاکم شرع و قاضی

در هنگام رسیدگی به پرونده متهمین، در اثبات جرم دچار شبهه شود و یا دریابد که متهم در زمان ارتکاب جرم نسبت به وجود حکم شارع و یا در تشخیص موضوع حکم مزبور، با شبهه مواجه بوده، دیگر نمی‌تواند شرعاً و انصافاً جرمی را به متهم منتسب و یا مجازاتی را نسبت به او اجرا کند پیامبر اکرم (ص) فرموده اند: «اگر حاکم در عفو متهم خطا کند، بهتر از آنست که در مجازات نمودن او خطا نماید.» و همین سفارش‌های اکید است که زمینه ساز «قاعده درأ» مساله تفسیر به نفع متهم و رعایت انصاف و احتیاط نسبت به جان و عرض و آزادی مردم شده است. (آقایی: ۱۳۸۸: ص ۱۱)

ادبیات پژوهشی

— مقاله ای با موضوع: بررسی تطبیقی سرقت حدی از دیدگاه مذاهب پنج گانه و تطبیق آن با قانون مجازات اسلامی ۹۲؛ با قلم علی نادری و دیگران (۱۳۹۵) در کنفرانس ملی فقه، حقوق و روانشناسی به چاپ رسیده است در آن نویسندگان معتقدند: بحث سرقت حدی یکی از مباحث دارای تشتت آراء در میان مذاهب اسلامی است که از حیث مقدار سرقت، کیفیت (شرایط سارق، مال مسروق و مکان سرقت حدی) و جاری شدن آن و توبه اختلاف نظر است. که در اثر حاضر ما روی بحث اضطرار در آن تاکید کردیم.

— مقاله ای با موضوع: بررسی سرقت حدی در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ و تطبیق آن با متون فقهی؛ با قلم حسینی که در سال ۱۴۰۰ در فصلنامه حقوق و مطالعات سیاسی به چاپ رسیده است. در آن نویسنده آورده است: در این مقاله به سرقت حدی در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ و مطابقت آن با متون فقهی پرداخته شده است، یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که قانون مجازات ایران، در خصوص جرم سرقت، باتوجه به ساختار جمهوری اسلامی حاکم بر ایران، برگرفته از فقه اسلامی بوده و قانون‌گذاران تلاش کرده‌اند که با مطالعه منابع فقهی در رابطه با مسئله سرقت، به تعیین حدود و تعزیرات متناسب با شکل و ابعاد جرم سرقت بپردازند.

— مقاله ای با موضوع: جایگاه اموال عرفی فاقد مالیت شرعی در جرائم علیه اموال و مالکیت؛ به قلم حاجی ده آبادی و دیگران در سال (۱۳۹۹) در فصلنامه تحقیقات حقوقی بین المللی به چاپ رسیده است. در آن آورده‌اند: مال هم موضوع حقوق مدنی است و هم حقوق کیفری. قوانین کیفری همچون قانون مدنی بدون اینکه تعریفی از مال را بیان کنند، پاره‌ای رفتارها علیه اموال را همچون سرقت، کلاهبرداری، خیانت در امانت و... جرم انگاری کرده‌اند. اموال بر دو قسم اموالی که عرفاً و شرعاً مالیت دارند و اموالی که فقط مالیت عرفی دارند تقسیم می‌شوند. حقوق مدنی گروه دوم را به عنوان مال به رسمیت نمی‌شناسد اما قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ ربایش این گونه اموال را سرقت تعزیری می‌داند گرچه سرقت حدی نمی‌داند. در مورد سایر جرائم علیه اموال قانونگذار صراحتاً

موضع گیری نکرده است و در شمول این جرائم نسبت به اینگونه اموال که عرفاً مالیت دارند ولی شرعاً مالیت ندارند، تردید است. از یک سو قاعده درا و تفسیر شک به نفع متهم و.. بر عدم وقوع و از سوی دیگر تفسیر منطقی و مبانی فقهی حقوقی جرم انگاری تعزیرات و نیز سیر قانونگذاری قاچاق کالا بر وقوع این جرائم در اینگونه اموال دلالت دارند. به نظر می‌رسد نمی‌توان مشروعیت را به عنوان شرط مال محسوب شدن در حقوق کیفری پذیرفت.

- مقاله ای با موضوع: سرقت اینترنتی: حدی یا تعزیری؟ با قلم ایزدی فرد و دیگران در سال (۱۳۸۹) در فصلنامه فقه و اصول به چاپ رسیده است، در آن آورده اندهدف ما در این مقاله ضمن تبیین ماهیت سرقت اینترنتی، پاسخ به سؤال های مطرح شده و در نهایت، تعزیری دانستن سرقت اینترنتی آن هم فقط به دلیل عدم تحقق یکی از شرایط سرقت یعنی اخذ فیزیکی و نیز ارائه شیوه‌های نو و جدید در تعزیر کاربر سارق است.

چیستی مسئولیت کیفری

بر مبنای شرع مقدس اسلام هیچ عمل مجرمانه‌ای بدون مجازات نمی‌ماند. در عین حال، حدود و نحوه اجرای مجازات در خصوص همه افراد یکسان نیست. (حبیب آبادی و دیگران، ۱۳۹۶، ص ۷۳) از منظر قانون می‌توان گفت افرادی که دارای توانایی‌هایی نظیر فهم، درک، اختیار و بلوغ هستند، اشخاص دارای مسئولیت کیفری به حساب می‌آیند. اما در مقابل افرادی که چنین توانایی‌هایی ندارند، مثلاً هنوز به سن قانونی نرسیده‌اند، مسئولیت کیفری ندارند و از مجازات معاف هستند. به عبارت دیگر می‌توان گفت که قانون برای این که بتوان یک فرد را به خاطر انجام جرم مجازات کرد، شروطی قائل است و طبق آن فرد باید هنگام انجام جرم، عاقل، بالغ و دارای اختیار باشد. مثلاً فرد دیوانه را نمی‌توان برای انجام جنایت مانند فرد عاقل مجازات کرد. بر اساس ضوابط درج شده در قانون می‌توان گفت که هدف از قرار دادن مسئولیت کیفری برای افراد جامعه، انجام مجازات برای مجرمان است. در حقیقت برای دفاع از جان و مال افراد جامعه، برقراری نظم، اصلاح افراد مجرم، ترساندن دیگران از انجام جرم و جبران خسارات عمومی و شخصی، مسئولیت کیفری در نظر گرفته شده است. طبق قانون، دلایل مختلفی وجود دارند که مسئولیت کیفری را از افراد رفع می‌کنند. همان‌طور که پیش از این اشاره کردیم، دلایلی نظیر: اضطرار، دیوانگی (جنون)، مجبور بودن، کودک بودن، اشتباه، خواب، بیهوش بودن و مستی رافع مسئولیت کیفری هستند. البته رافع بودن دلایل بالا در خصوص مسئولیت کیفری به علت این است که فرد یا از نظر فکری و جسمی رشد نکرده و جرم را درک نمی‌کند، یا عارضه‌ای گذرا در او ایجاد شده که قادر به تشخیص خوب و بد

نیست، یا به دلایل دیگر درکی از موضوع نداشته یا از خود اختیاری نداشته است و به همین دلیل نمی‌توان او را به دلیل انجام جرم، مجازات کرد.^۱

به ادبیات دیگر شرایط مسئولیت کیفری که عبارتست از بلوغ و عقل و اختیار در حقیقت برای قابلیت تحمل مجازات و آثار آن (تربیت و بازگشت به جامعه) می‌باشد.^۲ که تمامی فرق اسلامی عناوین مذکور (بلوغ، عقل، اختیار) را قبول دارند. تنها در سن بلوغ بین اهل سنت و امامیه اختلاف نظر است. حقوق موضوعه ایران به تبع از فقه امامیه مسئولیت کیفری را برای افراد منوط به شرایط مذکور داشته و از منظر سیاست کیفری ایران تنها کسی می‌تواند مسئول شناخته شود که تحمل کیفر از جانب وی در جهت تحقق اهدافی که در ورای کیفردهی وجود دارد مؤثر باشد. (ضمیری و دیگران، ۱۳۹۸، ص ۱۰)

تقسیم بندی انواع سرقت

همیشه و در همه دوران‌ها مالکیت افراد نسبت به اموالشان یک موضوع مهم و حساس بوده است. مردم همیشه خواستار احترام به حقوق مالکیتی خود بودند و البته همیشه هم افرادی هستند که این حقوق را نادیده می‌گیرند. با پیشرفت جوامع، قانونگذار اقدام به تدوین قوانینی کرد تا طبق آن حق دیگران نسبت به اموالشان محترم شمرده شود. قانون گذار برداشتن مال دیگران بدون اجازه آنها تحت عنوان جرم سرقت معرفی کرد. در هر کشوری، یکی از مهم‌ترین مسائلی که قانون گذار هنگام تصویب قوانین به آن توجه می‌کند، مبحث اموال و مالکیت افراد است. مالکیت افراد بر اموال خود در همه‌ی دوران‌ها حائز اهمیت بوده و متأسفانه یکی از بیشترین جرایمی که در هر جامعه‌ای رخ می‌دهد، جرائم علیه اموال اشخاص و در صدر آن‌ها سرقت است. سرقت که در مفهوم کلی خود به معنای ربایش مال دیگری است در قانون ما انواع متعددی داشته و برای آن مجازات‌های متفاوتی تعیین شده است.^۳ در فقه امامیه و قانون مجازات اسلامی معضل سرقت را، یکی از جرائم علیه اموال و مالکیت انسان‌ها، معرفی کرده‌اند. سرقت از دیدگاه حقوق جزای اسلام، برحسب شرایط می‌تواند به یکی از این عناوین متصل گشته و حسب مورد مرتکب آن مورد مجازات قرار گردد.

۱. جهت مطالعه بیشتر در خصوص علل رافع مسئولیت کیفری در مورد این مبحث در فصل دوم بخش چهارم قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ ذیل عنوان موانع مسئولیت کیفری طرح شده است، رجوع شود. عوامل رافع مسئولیت کیفری کیفیاتی شخصی و درونی هستند که باعث تیره شدن شخصی از مسئولیت کیفری می‌شوند و فرد مجازات نمی‌شود ولی مسئولیت مدنی وجود دارد.

۲. هدف اجتماعی مجازات‌ها ملاک است.

۳. ماده‌ی ۲۶۷ قانون مجازات اسلامی در تعریف سرقت اینطور بیان می‌کند که: «سرقّت عبارت از ربودن مال متعلق به غیر است.» بنا بر این هر گاه فردی اقدام به ربودن مال شخص دیگری (اعم از حقوقی یا حقوقی) کند، سارق محسوب می‌شود.

(حسینی، ۱۴۰۰، ص ۲۸۷) در دسته بندی کلی، سرقت در قوانین کیفری به دو دسته تقسیم می‌شود:

سرقت حدی: یکی از انواع سرقت است که مجازات آن حدی بوده و توسط خداوند تعیین شده است. برای تحقق این نوع از سرقت باید شروط مندرج در ماده‌ی (۲۶۸) قانون مجازات اسلامی وجود داشته باشد تا بتوان سارق را به مجازات حد محکوم کرد. در صورتی که سرقت حتی یک مورد از آن موارد را نداشته باشد، به سرقت تعزیری تبدیل شده و مستوجب حد نخواهد بود.^۱

سرقت تعزیری: به طور کلی هر گاه سرقت فاقد یکی از شرایط سرقت حدی باشد، تعزیری محسوب شده و قانون گذار برای آن انواع متعددی را پیش بینی کرده است که قاضی متناسب با نوع آن، برای سارق تعیین مجازات می‌کند. همان طور که پیش‌تر بیان کردیم، هر سرقتی که شرایط سرقت حدی را نداشته باشد تعزیری محسوب شده و حسب نوع آن، مجازات‌های متفاوتی دارد. البته خودش نیز به اقسام دیگری تقسیم می‌شود: سرقت تعزیری ساده: در ماده‌ی ۶۶۱ قانون تعزیرات به این نوع سرقت اشاره شده، هر گاه سرقت فاقد شرایط سرقت حدی باشد مرتکب به حبس از سه ماه و یک روز تا دو سال و تا ۷۴ ضربه شلاق محکوم می‌شود. و در صورتی که ارزش مال مسروقه کمتر از بیست میلیون تومان باشد و سارق هم فاقد سابقه کیفری باشد مجازات حبس به سه ماه تا یک سال کاهش پیدا می‌کند. بالاخره سرقت مشدد: سرقت تعزیری ساده به دلایل متعددی مثل زمان، مکان، شخصیت سارقین، تعدد سارقین، مسلح بودن، مقرون به آزار بودن و ... تشدید می‌شود. مطابق ماده‌ی ۶۵۱ قانون تعزیرات در صورت وجود پنج شرط لازم و ضروری،

۱. سرقت در صورتی که دارای تمام شرایط زیر باشد موجب حد بوده و مجازات سرقت حدی بر مجرم بار می‌شود:

الف. شی مسروق شرعاً مالیت داشته باشد.

ب. مال مسروق در حرز باشد.

پ. سارق هتک حرز کند.

ت. سارق مال را از حرز خارج کند.

ث. هتک حرز و سرقت مخفیانه باشد.

ج. سارق پدر یا جد پدری صاحب مال نباشد.

چ. ارزش مال مسروق در زمان اخراج از حرز، معادل چهار و نیم نخود طلای مسکوک باشد.

ح. مال مسروق از اموال دولتی یا عمومی، وقف عام و یا وقف بر جهات عامه نباشد.

خ. سرقت در زمان قحطی صورت نگیرد.

د. صاحب مال از سارق نزد مرجع قضایی شکایت کند.

ذ. صاحب مال قبل از اثبات سرقت سارق را نبخشد.

ر. مال مسروق قبل از اثبات سرقت تحتید مالک قرار نگیرد.

ز. مال مسروق قبل از اثبات جرم به ملکیت سارق در نیاید.

ژ. مال مسروق از اموال سرقت شده یا مغضوب نباشد.

سرقت یکی از انواع سرقت مشدد محسوب شده و مرتکب آن به مجازات پنج تا بیست سال حبس و تا ۷۴ ضربه شلاق محکوم می‌شود.^۱

یکی از مسائلی که بشر در طول تاریخ با آن مواجه بوده و همواره زندگی اجتماعی را تحت تأثیر قرار داده است سرقت است و توجه به اینکه اسلام دین کاملی است و قوانین حقوقی و جزایی آن نیز کامل می‌باشد و این امر بنا به دلایلی مورد قبول تمامی دانشمندان و اندیشمندان جهان اسلام و حتی بعضی از کشورهای غربی می‌باشد که یکی از این دلایل تعیین مجازات خاص برای جرائم خاص مانند زنا، سرقت، شرب خمر، لواط، مساحقه، قیادت، کذف، محاربه و افساد فی الارض و عقوبات متفرقه مانند ارتداد که در اسلام به اسم حدود شناخته می‌شوند. و بحث سرقت حدی یکی از مباحث دارای تشتت آراء در میان مذاهب اسلامی است که از حیث مقدار سرقت، کیفیت (شرایط سارق، مال مسروق و مکان سرقت حدی) و جاری شدن آن و توبه اختلاف نظر است. و شناخت این اختلافات و مشترکات در بین مذاهب مختلف اسلامی می‌تواند باعث ایجاد وحدت و همبستگی بیشتر در بین مسلمانان جهان اسلام شود. (نادری و دیگران، ۱۳۹۵، ص ۴۰)

اثبات سرقت حدی

اصل بر براهت است در صورتی که کسی ادعا کند دیگری مرتکب دزدی شده، باید خود ادله اثبات آن را فراهم کند. راه‌های اثبات جرم دزدی عبارتند از اقرار متهم، شهادت دو مرد عاقل و بالغ و علم قاضی. فیلم دوربین مدار بسته برای اثبات جرم سرقت، تنها به عنوان یکی از امارات قضایی است و به تنهایی نمی‌تواند وقوع دزدی را اثبات کند. از آنجا که اثبات جرم بدون دلیل از جمله اثبات دزدی بدون مدرک قاعدتاً امکان پذیر نمی‌باشد، برای مجازات مجرم لازم است که ابتدا وقوع این جرم و نسبت آن جرم به متهم، به دادگاه اثبات شود که برای تحقق این امر باید دلیل ارائه شود. "دلیل عبارت از امری است که اصحاب دعوا برای اثبات یا دفاع از دعوا به آن استناد می‌نمایند. "این دلایل با عنوان ادله اثبات دعوا در قانون مجازات اسلامی مشخص شده است: "ادله اثبات جرم عبارت از اقرار، شهادت، قسامه و سوگند در موارد مقرر قانونی و علم قاضی است." به غیر از از

۱. در خصوص شرایط مشدد آن در ماده‌ی ۶۵۱ قانون تعزیرات آمده است:

۱: سرقت در شب باشد؛

۲: سارقین دو نفر یا بیشتر باشند؛

۳: یک یا چند نفر از سارقین دارای سلاح مخفی یا ظاهر باشند؛

۴: از دیوار بالا رفته یا حصار را شکسته یا کلید ساختگی استفاده یا برخلاف واقعیت خود را مأمور دولت معرفی کرده یا در جایی که محل سکنی

یا مهیا برای سکنی و توبع آن است سرقت کرده باشند؛

۵: در ضمن سرقت کسی را آزار داده یا تهدید کند.

قسامه که مربوط به جرائم مستوجب دیه و قصاص است و برای دزدی به کار نمی‌رود، از این رو ادله به شرح تفصیلی ذیل است:

اقرار متهم: مهم‌ترین راه برای اثبات جرم اقرار متهم به آن است. هرگاه متهم در دادگاه اقرار کند مرتکب جرم سرقت شده است، مجرمیت او اثبات می‌شود. اقرار به سرقت حدی باید در دادگاه کیفری و در نزد قاضی باشد که تبصره ماده ۲۱۸ آن را تبیین کرده است: "اقرار در صورتی اعتبار شرعی دارد که نزد قاضی در محکمه انجام گیرد." متهم به سرقت حدی باید دو بار و متهم به سرقت تعزیری باید یک بار به مجرمیت خود اقرار کند و پس از آن، جرم ثابت شده است و مجازات برای او در نظر گرفته می‌شود.

شهادت به سرقت: جرم سرقت با شهادت شاهد نیز اثبات می‌شود. شاهد باید ناظر وقوع جرم بوده باشد و بتواند اطلاعات دقیق از لحظه وقوع جرم در اختیار قاضی قرار دهد. تعداد شاهدانی که برای اثبات جرم سرقت نیاز است دو مرد عادل است. این شاهدان باید شرایط شاهد در دادگاه که در قانون آمده است را داشته باشند، از جمله اینکه عاقل و بالغ باشند. در صورتی که شاهدان شرایط لازم برای شهادت به جرم سرقت را نداشته باشند، اظهارات آنها شهادت محسوب نمی‌شود، یعنی دادگاه اظهاراتشان را می‌شنود اما تحت عنوان شهادت در نظر نمی‌گیرد و با آن جرم ثابت نمی‌شود. بلکه با توجه به ارزش و اهمیت آنها، قاضی برای صدور رأی نهایی، آن‌ها را در نظر می‌گیرد.

اثبات سرقت با سوگند: نه سرقت حدی و نه سرقت تعزیری با سوگند اثبات نمی‌شود و هیچ کس نمی‌تواند سوگند بخورد که مرتکب دزدی نشده تا بی گناهی‌اش ثابت شود. ماده ۲۰۸ قانون مجازات اسلامی در همین مورد می‌گوید: "حدود و تعزیرات با سوگند نفی یا اثبات نمی‌شود."

علم قاضی در اثبات جرم سرقت: علم قاضی در قانون به این صورت تعریف شده است: "علم قاضی عبارت از یقین حاصل از مستندات بین در امری است که نزد وی مطرح می‌شود." در نحوه رسیدگی به جرم سرقت، تحقیقات لازم در دادسرا توسط بازپرس صورت می‌گیرد و کیفر خواست به دادگاه و نزد قاضی فرستاده می‌شود. مستنداتی از قبیل نظر کارشناس، تحقیقات محلی، گزارش ضابطان دادگستری و ... علم قاضی را در مورد جزئیات وقوع جرم تأمین می‌کند و قاضی به استناد آن‌ها رأی صادر می‌کند.

برای تحقق عنوان مجرمانه این جرم یعنی تحقق و به وقوع پیوستن جرم سرقت حدی و در پی آن تحمیل مجازات سرقت حدی بر فاعل، می‌بایست شروط ۱۴ گانه (ماده ۲۶۸ قانون مجازات اسلامی)

بصورت جمعی در پرونده کیفری موجود و به اثبات برسد تا بتوان مجازات سرقت حدی را بر مرتکب بار نمود.^۱

در نهایت می‌توان گفت هرگاه به استناد دلائل فوق الذکر اگر مستندات علیه مشتکی عنه کامل باشد نوعاً شروط چهارده گانه مندرج در ماده ۲۶۸ قانون مجازات اسلامی که قبلاً به صورت تفصیلی بدان اشاره شده است رعایت شده باشد سارق حدی به شرح ذیل مجازات می‌شود:

اگر سارق، برای بار اول، مرتکب جرم سرقت حدی شود، مجازات او، قطع چهار انگشت دست راست سارق از انتهای آن است؛

مجازات سارق، در مرتبه دوم ارتکاب سرقت حدی، قطع پای چپ از پایین برآمدگی می‌باشد؛ و اگر برای مرتبه سوم، تکرار کند، مجازات او، حبس ابد خواهد بود.

حتی بر خی چنین معتقدند: سرقت رایانه‌ای جرمی است که از طریق رایانه انجام می‌شود و تنوع و پیچیدگی نحوه ارتکاب آن موجب شده تا این سؤال مطرح شود که اگر تمامی شرایط سرقت مستوجب حد در یک سرقت رایانه‌ای وجود داشته باشد، آیا می‌توان حد سرقت را بر سارق رایانه‌ای نیز همچون سارقان فضای فیزیکی جاری نمود؟ این مجازات در این گونه سرقت‌ها قابل اجرا می‌باشد زیرا عناصر مادی، قانونی و معنوی تشکیل‌دهنده جرم سرقت در این گونه سرقت‌ها نیز موجود بوده و در نتیجه ماهیت سرقت‌های رایانه‌ای متفاوت با سرقت‌های سنتی نمی‌باشد و تنها تفاوت در محیط ارتکاب جرم، موجب تمایز این دو نوع سرقت شده است. می‌توان نسبت به مرتکب جرم سرقت رایانه‌ای نیز حد سرقت را جاری نمود.^۲

عوامل رافع مسئولیت کیفری

مقصود از مسئولیت کیفری آثار و نتایجی بوده که متوجه خود فرد خاطی از اعمال مجرمانه می‌شود. به بیانی دیگر هر شخصی که اعمال مجرمانه انجام می‌دهد خود شخص مسئول عمل مجرمانه خود می‌باشد. نه فرد دیگری، بنابراین عدالت حکم می‌کند که شخص مجرم به مجازات برسد. اشخاصی که از قدرت فهم و درک برخوردار هستند و به سن بلوغ رسیده‌اند مشمول مسئولیت کیفری خواهند بود. لذا موقعی بحث مسئولیت کیفری به میان خواهد آمد که شخص مرتکب رفتاری مجرمانه گردیده است و می‌بایست بر اساس قانون مجازات گردد. همچنین اشخاصی

۱. به ماده فوق در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ مراجعه کنید.

۲. آهنگران، محمدرسول، رضوی اصل، سید محسن. (۱۳۹۸). بررسی فقهی حقوقی امکان اجرای حد در سرقت رایانه‌ای. فقه و مبانی حقوق اسلامی، (۲)۵۲، ص ۲۵۳.

که به بلوغ نرسیده‌اند و فاقد قدرت فهم و درک هستند مثل اشخاص مجنون دارای مسئولیت کیفری نخواهند بود. شرایط مسئولیت کیفری هم جهت برقراری عدالت بین دو طرف دعوا برقرار می‌گردد. که اگر فرد خاطی از قانون دارای وضعیتی باشد از مسئولیت کیفری جلوگیری خواهد شد و عدالت در این خصوص برقرار خواهد شد. بنابراین در شرایط کلی مسئولیت کیفری گونه‌ای مسئولیت شخصی می‌باشد. که موقعی می‌توان به فرد دیگر این مسئولیت را نسبت داد که بر اساس قانون مسئول اعمال مجرمانه فرد باشد. و یا نتیجه اعمال مجرمانه فرد دیگر مقصر باشد. مسئولیت کیفری همانند شاقول ترازوی عدالت است که در یکی از دو کفه آن جرم و در کفه دیگر مجازات قرار دارد. اما تا قرون قبلی، فقط به یکی از دو کفه یعنی مجازات توجه می‌شد و به هر حال او را مجازات می‌کردند و نیز بین صغیر و کبیر، مجنون و عاقل، مکره و مختار تفاوتی قائل نبودند. به عبارت دیگر مجازات موضوعی بود و عمدی و سهوی بودن جرم تاثیری در نوع مجازات نداشت. (پارسایی و دیگران: ۱۳۹۸: ص ۵۳۸)

با وقوع جرم فرد مرتکب مسئول اعمال خویش می‌گردد و و عدالت حکم می‌کند که فرد خاطی مجازات شود. در واقع زمانی که مسئولیت کیفری مطرح می‌گردد به معنای این است که فرد مرتکب عملی شده است که طبق قانون جرم شناخته شده است و مرتکب در برابر قانون و جامعه مسئول جبران عمل خویش است که قانونگذار در قوانین، مجازات فرد مرتکب را تعیین کرده است و حتی برای برقراری عدالت میان طرفین شرایط مرتکب را در نظر گرفته شده که اگر فرد مرتکب دارای شرایطی باشد مانع مسئولیت کیفری او می‌شود. هر نظام حقوقی برای اینکه بتواند مسئولیت کیفری را بر کسی تحمیل کند، یکسری شرایطی را تحت عنوان ارکان مسئولیت کیفری، در قوانین و مقررات خود وضع و به سیاست‌گذاری در این رابطه اقدام می‌کند. (مهرا و دیگران: ۱۳۹۸: ص ۹۱)

در خصوص عوامل رافع مسئولیت کیفری می‌توان تصریح داشت؛ به طور کلی، عوامل رافع مسئولیت کیفری عواملی هستند که اراده آزاد و قدرت تصمیم‌گیری و تشخیص فرد را از بین می‌برند. بنابراین، عوامل رافع مسئولیت کیفری بیشتر عواملی شخصی و درونی هستند تا عواملی بیرونی. به هر ترتیب، مطابق قانون عوامل رافع مسئولیت عبارتند از: صغر، جنون، اضطرار، اشتباه، اجبار و مستی و بیهوشی و امثالهم است. آنچه محرز و مسلم است با به وجود آمدن موارد رافع مسئولیت کیفری یکسری آثار تبعات از نظر آموزه‌های حقوقی بر آن بار می‌شود که به صورت خلاصه وار به آن اشاره می‌کنیم؟ در صورتی که یکی از عوامل رافع مسئولیت کیفری در ارتباط با مجرم احراز گردد، آثار زیر را در پی دارد:

از آنجایی که عامل رافع مسئولیت کیفری شخصی است، فقط مرتکب جرم از مسئولیت کیفری مبری می‌گردد لیکن شریک و معاونین وی، در صورت وجود، قابل مجازات هستند.

با سلب مسئولیت کیفری، مسئولیت مدنی ساقط نشده و فرد مجرم باید از عهده خسارات و ضرر و زیان وارده به طرف مقابل برآید.

در خصوص اثبات وجود عوامل رافع در هنگام وقوع جرم دو حالت پیش می‌آید:

الف- به عنوان یک قاعده کلی، اثبات این مسئله بر عهده مجرم و یا وکیل او است؛

ب- در صورتی که فرد علی‌الظاهر شرایط یکی از عوامل رافع مسئولیت کیفری را دارد (مثلاً جنون): در این صورت دادستان و یا طرف متضرر از جرم است که باید ثابت کند مجرم در زمان وقوع جرم در سلامت کامل و دارای اراده آزاد بوده است.^۱

البته این توضیح لازم و ضروری است که عوامل رافع مسئولیت کیفری با عوامل موجهه جرم تفاوت دارد: در جریان رسیدگی کیفری، دفاعیات مختلفی از طرف متهم یا وکیل او امکان طرح دارند که استناد به عوامل موجهه جرم و عوامل رافع مسئولیت کیفری از جمله آنهاست. عوامل موجهه جرم به شرایطی عینی اطلاق می‌شود که به عمل مجرمانه صورتی موجهه می‌دهند یا آن را مباح می‌سازند و در مقابل، عوامل رافع مسئولیت کیفری به شرایط شخصی و ذهنی در مرتکب گفته می‌شود. که به رغم وقوع جرم، موجب رفع مسئولیت کیفری از فاعل آن می‌شوند. صرف نظر از اینکه هم عوامل موجهه و هم عوامل رافع مسئولیت کیفری، در صورت احراز، مانع مجازات متهم^۲ می‌شوند، اما از جهت قابلیت اعمال اقدامات تامینی و تربیتی، مسئولیت مدنی متهم، دفاع در برابر متهم، قابلیت مجازات^۳ شرکا و معاونین جرم، بار اثبات و آیین دادرسی تفاوت‌هایی با هم دارند. همچنین با توجه به ترتیب آثار مختلف بر عوامل موجهه جرم و عوامل رافع مسئولیت کیفری، تشخیص مصادیق مشتبه آنها، مثل اضطرار و اشتباه ضروری است. (حبیب زاده و دیگران: ۱۳۸۴: ص ۳۷)

از لحاظ ماهیتی بین علل موجهه جرم و علل رافع مسئولیت کیفری^۴ تفاوت‌های مهمی وجود دارد. بر این اساس در حقوق داخلی اکثر کشورها از جمله ایران برای این دو ماهیت حقوقی جداگانه‌ای قائل‌اند. اما در حقوق بین الملل کیفری چنین تفکیکی وجود ندارد. با عنایت به اهمیت تفکیک بین

۱. وفق قوانین موضوعه اثبات این اقدامات بر عهده دادستان است.

۲. Preventing the Punishment of The Accused

۳. Ability to Punish

۴. Causes of Criminal Liability

این عناوین از نظر آثار و نتایج متفاوتی که هر کدام از آنها دارد به نظر می‌رسد در حقوق بین الملل کیفری نیز باید معتقد به این تمایز بود. (پوربافرانی و دیگران: ۱۳۹۲: ص ۱)

کلیت اضطرار در رفع مسئولیت کیفری

اضطرار واژه‌ای عربی است که از ریشه ضر (به ضم ضاد و فتح آن و تشدید راء) گرفته شده و در قالب باب افتعال به کار رفته است. واژه اضطرار چنانچه از ریشه ضر (به فتح ضاد) باشد به معنای پذیرش ضرر است، زیرا ضر در این حالت متضاد نفع می‌باشد و اگر از ریشه ضر (به ضم ضاد) باشد معنای آن عبارت است از: بیچارگی، درماندگی، تنگدستی، ناچاری، نیازمندی، بی اختیاری، سختی و بدحالی همچنانکه آیه ۸۳ سوره انبیاء آن را به معنای سختی به کار برده است (انی مسنی الضر: دچار سختی و مشقت شده‌ام) و آیه ۸۴ هم بیان می‌دارد که مالین سختی را از ایوب بر داشتیم: (فكشفتنا ما به من ضرر) به نظر می‌رسد، اضطرار در اینجا به معنای نیاز پیدا کردن است و این معنا با معنای مصطلح حقوقی نیز نزدیک خواهد بود، زیرا در اضطرار اصطلاحی، شخص مضطر، نیاز پیدا می‌کند که ضرری را به مال یا جان یا حیث دیگری وارد نماید. با نگاهی به این مفهوم «اضطرار» به دو معنا به کار رفته است:

۱. به معنای سلب کامل اختیار در جایی که عامل خارجی به طور قهری، اختیار را از شخص سلب کند، مثل کسی که در اثر طوفان از بلندی به پایین پرت می‌شود. در بحث از قاعده «لا اضطرار بسوء الاختیار لا ینافی الاختیار» مراد از اضطرار، این نوع خاص است که شامل اجبار و اکراه می‌شود.

۲. به معنای ناچاری و اوضاع و احوال سختی که تحمل آن عادتاً «دشوار یا غیر قابل تحمل می‌باشد، که در این صورت، شخص مجبور می‌شود بر خلاف میل باطنی خود و از روی قصد و رضای خاصی، عملی را انجام دهد. این معنای اضطرار، در اصول رایج است. (بحرانی، ۱۴۲۶ هـ ق: ص ۲۸۷)

اضطرار بنا بر مشهور عبارت است از بیم عقلایی نه صرف پندار از رسیدن زبانی که معمولاً قابل تحمل نیست نسبت به فعل یا ترک کاری؛ خواه نسبت به خودش یا فردی که حفظ او بر انسان واجب است. ضرر نیز جانی باشد یا مالی و یا حیثیتی و ناموسی ضرر جانی نیز در حد کشته شدن باشد یا نقص عضو یا پیدایی بیماری یا شدت پیدا کردن آن یا طولانی شدن دوره درمان یا مشکل شدن مداوا و یا پیدایی عارضه‌ای که منجر به یکی از آنها گردد. (نجفی: ج ۳۶، صص ۴۲۶-۴۲۷)، (عاملی: ج ۱۲، ص ۱۱۳)، (نراقی، ج ۱۵، ص ۲۰)^۱ برخی نسب به این معنا تردیداتی ابراز داشته‌اند؛ «اضطرار» از عناوین ثانویه و قواعد مشهور فقهی است که در ابواب مختلف فقه مورد استناد واقع

۱. در منابع فقهی دیگری در این خصوص صحبت شده است.

شده و از جنبه‌های عبادی، حقوقی و کیفری کاربرد داشته و نقش موثری در رفع حرج و حل مشکلات فردی و اجتماعی دارد. با وجود اضطرار حرمت فعل محرم مرتفع و مجازات آن منتفی می‌شود. در ماده ۵۵ قانون مجازات اسلامی «اضطرار» به عنوان یکی از عوامل رفع مسوولیت کیفری مطرح گردیده، اما ابهام‌های زیادی در مورد آن وجود دارد. (جعفرپور و دیگران: ۱۳۸۵: ص ۴۱) برای توسل به اضطرار شش شرط الزامی است که عبارتند از:

بروز خطر شدید لذا هر خطری اضطرار محسوب نشده و مجوز ارتکاب جرم نمی‌باشد بلکه خطر شدید ملاک اضطرار است که طبق یک ضابطه نوعی یعنی بر مبنی انسانهای متعارف آن خطر جزء خطرات شدید محسوب گردد.

خطر فعلی و قریب الوقوع: خطر فعلی یعنی خطری که در عالم خارج به طور عینی و ملموس واقع شده است یعنی خطر فعلیت پیدا کرده است. خطر قریب الوقوع احتمال خطر همراه با قرائن متقن و معقول، لذا صرفاً احتمال خطر، مجوز اضطرار نمی‌باشد مگر توأم با قرائن باشد.

برای حفظ نفس یا مال خود یا دیگری باشد: لذا اضطرار حتی می‌تواند مجوز ارتکاب جرم برای حفظ جان یا مال دیگری باشد یعنی اساساً خود فرد در شرایط اضطرار نبوده بلکه دیگری در حالت اضطرار قرار داشته باشد.

ضرورت: یعنی هیچ راهی غیر از ارتکاب جرم برای دفع خطر وجود نداشته باشد، بنابر این اگر راه دیگری وجود داشته اما شخص در شرایط اضطراری بدون توسل به آن راه غیر مجرمانه ابتدا مرتکب جرم شده است نمی‌تواند به اضطرار استناد کند زیرا شرایط ضرورت رعایت نشده است.

تناسب: یعنی بین رفتار ارتكابی با خطر موجود تناسب باشد به طوری که عرف انجام چنین رفتاری را در آن شرایط خطر بپذیرد یعنی عرفاً چنین خطری چنین رفتاری را ایجاب می‌کرده است.

خطر را عمداً ایجاد نکرده باشد: زیرا اگر عمداً خطر را به وجود آورد طبق قاعده اقدام نمی‌تواند به قاعده اضطرار استناد کند اما باید به این نکته توجه نمود اگر فرد خطر را سهواً ایجاد کرده باشد می‌تواند به اضطرار استناد نماید مانند آنکه قصد ایجاد خطر را نداشته اما در اثر سهل انگاری و بی دقتی خطر ایجاد شده باشد.^۱

در این میان دو دسته از افراد هستند که حتی اگر تمام شرایط اضطرار وجود داشته باشد باز هم نمی‌توانند به اضطرار استناد نمایند اول، بر طبق وظیفه‌ای که عهده دار شده‌اند باید با خطر مقابله کنند دوم، به موجب قانون دارای وظیفه قانونی مقابله با خطر باشند. این دو دسته نمی‌توانند به

استناد اضطرار از انجام وظیفه خود امتناع نمایند. در اضطرار اگر چه جزء موانع نوعی است اما مسئولیت مدنی یعنی ضمان مالی به قوت خود باقی می‌باشد و بنابر این فرد مضطر اگرچه مجازات نمی‌شود اما باید خسارات مالی را جبران کند و دیه را بپردازد. بدون تردید اضطرار، وصف تقصیر را از فعل زیانبار زدوده، اقدامی را که در وضعیت عادی، نامشروع و حرام است، مشروع و مباح می‌سازد. ولی آیا می‌تواند مضطر را از آثار و پیامدهای آن معاف سازد؟ در این باره نظام‌های حقوقی یکسان نمی‌اندیشند. در یک دیدگاه، اضطرار، رافع مسئولیت مدنی نیست و مضطر باید خسارات وارد به زیان دیده را جبران کند؛ بنابر دیدگاه دیگر، چون در موارد اضطرار، اقدام وارد کننده زیان برای دفع ضرر بزرگ‌تر از خود یا دیگری است، سبب معافیت عام است. (پارساپور: ۱۳۸۲: ص ۱۴۱)

جایگاه اضطرار در سرقت حدی

اگر بخواهیم به صورت کلی سرقت حدی را تعریف کنیم، این نوع سرقت عبارت است از: ربودن مخفیانه معادل ۴/۵ نخود طلای مسکوک متعلق به غیر با هتک حرز توسط شخص بالغ و عاقل و مختار در غیر سال قحطی که مرتکب پدر مالباخته نباشد. این نوع سرقت نیز می‌بایست از برخی شرایط پیروی کند که قبلاً بدان اشاره داشتیم. پس با دقت در مفهوم اضطرار آنرا در مقابل اختیار در سرقت قرار می‌دهیم؛ اختیار بزهکار در ارتکاب جرم اگر چه غالباً به عنوان جزء اساسی در احراز مسئولیت کیفری قلمداد می‌گردد، لکن مفهومی که از آن اراده می‌شود، معمولاً مجمل و آمیخته با ابهام است. به طوری که گاه به جای اراده، قصد، رضا و مانند آن استعمال شده است و همین امر موقعیت اختیار در نظریه عمومی جرم و مسئولیت کیفری را با چالش مواجه کرده است. اختیار در اصطلاح از مفهوم لغوی خود دور نیفتاده و به توانایی انتخاب تعریف می‌شود؛ به صورتی که فرد قادر باشد از بین چند موقعیت ممکن و مقدور، اراده خود را متوجه رفتار خاصی کند، بدون اینکه تحت فشار داخلی و خارجی غیر قابل تحمل، ناچار به انتخاب آن گردد. به این دلیل قید غیر قابل تحمل بودن را اضافه کردیم که بسیاری از تصمیم‌هایی که آدمی در طول زندگی می‌گیرد، همواره تحت تأثیر موقعیتهای درونی و بیرونی صورت می‌گیرد. به گونه‌ای که فرد را به سوی انجام عمل خاصی می‌کشاند ولی وضعیت فرد در اینگونه شرایط به گونه‌ای نیست که اختیار را از وی بگیرد؛ چراکه امکان انتخاب افعال دیگر بدون آنکه ضرر غیر قابل تحملی برای فرد اتفاق افتد، وجود دارد، درحالیکه در شرایط اضطراری و اکراهی، عدم انتخاب ارتکاب فعل تبعات و خسارات غیر قابل تحمل و جبران ناپذیری را برای شخص به همراه دارد. فرد در شرایط اکراهی و اضطراری، مختار است؛ چراکه به هر حال «ممكن است گفته شودمی تواند خود را با اجرای قانون هماهنگ و از ارتکاب جرم به هر قیمتی اجتناب کند و تن به ضرر ناشی از شرایط اکراهی یا اضطراری بدهد؛ بنابراین اکراه شونده یا مضطر، با اختیار و آزادانه و با داشتن حق انتخاب، ولی بدون رضا، آگاهانه تصمیم به ارتکاب جرم می‌گیرد. (صادقی و دیگران: ۱۳۹۶: صص ۳۹-۷۲)

پس می‌شود همانطوریکه که در متن صریح قانون نیز آمده است در آیات و روایات نیز بر آن تاکید شده است بدین نتیجه رسید اضطراب یکی از موانع اثبات و اجرای مجازات در سرقت حدی است، این امر تا حدی گسترش یافته است برخی از نویسندگان تسری آنرا به سرقت تعریزی را نیز در مواقع و مصادیق خاص تسری داده‌اند، به عنوان مثال می‌توان گفت: سرقت یکی از قدیمی‌ترین جرائم علیه اموال است که بشر از بدو ایجاد حق مالکیت با آن سر و کار داشته و همواره مرتکب آنرا مستحق مجازات می‌دانسته است. در نظام حقوقی کنونی مجازات سارق در جایی که یکی از موانع مسئولیت کیفری محقق شده باشد قبیح و ممنوع است. از جمله موانع مسئولیت، عوامل موجهه جرم و ذیل این عوامل بحث مهم اضطراب است. شروط تحقق اضطراب، چالش‌های احراز آن، رابطه فقر و اضطراب، نظام حاکم بر تصمیم‌گیری‌های قضایی در این حوزه از جمله موارد مهمی است که در پژوهش کنونی با تمرکز بر موضوع سرقت فقیر از صندوق صدقات بررسی می‌شود. نهایتاً با مبنا قراردادن بینش عینی و نظام ادله قانونی با بررسی تمام شروط مندرج در فقه و حقوق در مصداق سارق فقیر، به این نتیجه مهم می‌رسیم که ایفای نقش اضطراب به عنوان یک عامل موجهه جرم، امری استثنایی و خلاف قاعده است و در نظام حقوقی کنونی ما نمی‌توان به بهانه تحقق عدالت با استناد به باور درونی و افتاح وجدانی قاضی، چشم بر ادله موجود در پرونده بست و اصل حاکمیت قانون را زیر پا گذاشت. وجود شبهه در تحقق اضطراب در مورد متهم، حداکثر می‌تواند اجرای حد در مورد او را منتفی سازد. (امامی: ۱۴۰۱: ص ۱۰۰) در برخی از آرای قضایی صادره نیز در رویه قضایی می‌بینیم که اضطراب به صراحت باعث رفع مسئولیت کیفری در سرقت حدی شده است:

«بنا به حکایت محتویات پرونده و کیفرخواست‌های مورد ۷۰/۲/۱۵ و ۶۹/۱۱/۱۸ عمومی ناحیه ... آقایان ۱ (الف) فرزند ... ۲۳ ساله به اتهام ارتکاب ده فقره سرقت و شرکت در هفت فقره سرقت که شرح آنها در کیفرخواست ذکر شده است ۲(ب) فرزند ... ۲۷ ساله به اتهام شرکت در هفت فقره سرقت به اتفاق متهم دریف اول تحت تعقیب قرار گرفته‌اند و در کیفرخواست‌های دادسرای مزبور با توضیح جریانات و ذکر مشخصات شکات و اموال مسروقه و سایر جهات اثباتی جرم و اعلام احراز بزهکاری آنان وفق ماده ۲۱۳ قانون حدود و رعایت ماده ۲۰ قانون راجع به مجازات اسلامی درخواست رسیدگی و صدور حکم شده است و دادگاه کیفری یک ... با اجرای تشریفات قانونی به موضوع رسیدگی و مفاداً "چنین رأی داده است: با ملاحظه محتویات پرونده و اظهارات و اعترافات متهمان در کل مراحل تحقیق و جلسه‌های دادگاه و اظهارات شکات و کشف قسمتی از اموال مسروقه از متهمان و سایر قرائن و شواهد بزه انتسابی به آنان ثابت و محرز است، هرچند سرقتها در بعضی از مواد از داخل حرز صورت گرفته لیکن نظر به ابراز نیاز و اضطراب بالحاظ استحقاق ارفاق، شرایط اجرای حد سرقت کامل نیست لذا با استناد به ماده ۱۰۸ قانون تعزیرات و اعمال ماده ۱۴ قانون راجع به مجازات اسلامی متهم ردیف اول به تحمل هفتاد و چهارضربه شلاق و دو سال اقامت

اجباری در گنبد و متهم ردیف دوم به تحمل هفتاد و چهار ضربه شلاق و ۱۵ ماه اقامت اجباری در گنبد محکوم می‌گردند و اما از حیث سرقت توام با آزار نظر به این که شاکی ابراز داشته یک نفر فرار کرده بود و یک نفر به من حمله کرد و متهم ردیف دوم گفته من وقتی صاحب خانه را دیدم فرار کردم معلوم می‌شود که یک نفر با شاکی در گیرشده و متهم ردیف اول هم منکر بوده و اعترافش در آگاهی نافذ نیست و شاکی هم فوت نموده که تحقیق از او ممکن نیست و به این ترتیب اتهام اخیر احراز نگردیده و از این حیث تبرئه می‌گردد و اما خواسته شکات از حیث ضرر و زیان که طی پرونده‌های حقوقی به تبع آخر کیفری مطرح گردیده است با توجه به اقرارشان به سرقت و عدم اعتراض آنان به پرداخت خواسته‌های شاکی‌ها به شرح صفحات ۷۰۲۴ و ۴۲ و ۴۲۷۰۳۷ و ۷۰۲۳۳۷ (در مورد هر دو نفر) و ۴۷۰۴۹ (در مورد متهم ردیف اول) نامبردگان به پرداخت خواسته‌های شکات و متهم ردیف اول علاوه بر آن؛ به پرداخت خواسته شاکی در پرونده مزبور محکوم می‌گردند. پس از ابلاغ رأی صادره متهم ردیف اول اعلام داشته که تسلیم دادنامه می‌باشد و نسبت به آن اعتراضی ندارد لیکن متهم ردیف دوم اعلام اعتراض و تجدیدنظرخواهی نموده است که دادگاه نپذیرفته و پرونده به دیوان عالی کشور ارسال و جهت رسیدگی به این شعبه ارجاع شده است. هیات شعبه در تاریخ موصوف بالا تشکیل گردید پس از قرائت گزارش آقای ... عضو ممیز و اوراق پرونده و نظریه کتبی آقای ... دادیار دیوان عالی کشور مبنی بر رد تجدیدنظرخواهی در مورد دادنامه شماره ۷۰/۹/۶۴۱۴۲۴۳ فرجام خواسته مشاوره نموده چنین رأی می‌دهند» در نهایت: از ناحیه معترض ایراد مؤثر و موجهی که موجب نقض دادنامه صادره گردد به عمل نیامده است و از لحاظ رعایت تشریفات قانونی و ضوابط آیین دادرسی نیز اشکالی مشهود نیست لذا با رد تجدیدنظرخواهی دادنامه تجدیدنظرخواسته ابرام می‌گردد. (بازگیر، ۱۳۷۶، ص ۶۳)

نتیجه گیری

جرائم حدی تعداد محدودی هستند و بیشتر جرائم در طول زمان با توجه به نیازهای جامعه تعریف و مجازات آن‌ها تعیین شده است، یکی از این موارد محدود سرقت حدی است. سرقت حدی نوعی از جرم سرقت است که عناصر آن اعم از سارق، فعل سرقت، مال سرقت شده و مالک مال با شرایط مقرر هر کدام در شرع تطابق دارد. در منابع بیان شده که جرائم موجب حد به دسته‌ای از جرائم گفته می‌شود که شرایط و کیفیت جرم و مجازات آن در شرع آمده باشد، جرائم موجب حد در احکام تکرار جرم، تعدد جرم، تخفیف یا عفو نیز با سایر گروه جرائم متفاوت بوده و احکام خاص خود را دارا هستند. بر مبنای شرع مقدس اسلام هیچ عمل مجرمانه‌ای بدون مجازات نمی‌ماند. در عین حال، حدود و نحوه اجرای مجازات در خصوص همه افراد یکسان نیست. دلایل مختلفی وجود دارند که مسئولیت کیفری را از افراد رفع می‌کنند. همان‌طور که پیش از این اشاره کردیم، دلایلی نظیر: اضطرار، دیوانگی (جنون)، مجبور بودن، کودک بودن، اشتباه، خواب، بیهوش بودن و مستی

رافع مسئولیت کیفری هستند. در این مقاله با رویکردی توصیفی تحلیلی از طریق روش کتابخانه‌ای و اسنادی در پی پاسخ به این سؤال هستیم: براساس شاخص‌های فقهی و حقوق کیفری اضطرار در سرقت حدی نوعاً موجب مسئولیت است یا خیر؟ پس می‌شود همانطوریکه که در متن صریح قانون نیز آمده است در آیات و روایات نیز بر آن تاکید شده است بدین نتیجه رسید اضطرار یکی از موانع اثبات و اجرای مجازات در سرقت حدی است، این امر تا حدی گسترش یافته است برخی از نویسندگان تسری آنرا به سرقت تعریزی را نیز در مواقع و مصادیق خاص تسری داده‌اند، به عنوان مثال می‌توان گفت: سرقت یکی از قدیمی‌ترین جرائم علیه اموال است که بشر از بدو ایجاد حق مالکیت با آن سر و کار داشته و همواره مرتکب آنرا مستحق مجازات می‌دانسته است. در نظام حقوقی کنونی مجازات سارق در جایی که یکی از موانع مسئولیت کیفری محقق شده باشد قبیح و ممنوع است. از جمله موانع مسئولیت، عوامل موجهه جرم و ذیل این عوامل بحث مهم اضطرار است. شروط تحقق اضطرار، چالش‌های احراز آن، رابطه فقر و اضطرار، نظام حاکم بر تصمیم‌گیری‌های قضایی در این حوزه از جمله موارد مهمی است.

فهرست منابع و مآخذ

(الف): منابع فارسی

- بیگی حبیب‌آبادی، احمد، حسینی، سید جواد. (۱۳۹۶). حدود مسؤلیت کیفری و مجازات «طفل» در فقه امامیه. فصلنامه قضاوت، ۱۷(۹۰)
- ضمیری، محمدرضا و ظفری، محمدرضا و شجاعی، مهرزاد، (۱۳۹۸)، شرایط مسؤلیت کیفری از منظر فقه مذاهب خمس و حقوق موضوعه ایران، نخستین کنفرانس ملی علوم انسانی و توسعه، شیراز، دسترسی در: <https://civilica.com/doc/۹۳۸۷۱۶>
- نادری، علی، و غلامی، عبدالله. (۱۳۹۵). بررسی تطبیقی سرقت حدی از دیدگاه مذاهب پنج گانه و تطبیق آن با قانون مجازات اسلامی ۹۲. کنفرانس ملی فقه، حقوق و روانشناسی قابل دسترسی در: <https://sid.ir/paper/۸۳۰۴۳۴/fa>
- حسینی، سیدمحمد. (۱۴۰۰). بررسی سرقت حدی در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ و تطبیق آن با متون فقهی. نشریه حقوق و مطالعات سیاسی، ۱(۴).
- آهنگران، محمدرسول، رضوی اصل، سید محسن. (۱۳۹۸). بررسی فقهی حقوقی امکان اجرای حدّ در سرقت رایانه‌ای. فقه و مبانی حقوق اسلامی، ۵۲(۲).
- پارسایی، افشین، سایبانی، علیرضا، رهگشا، امیر حسین. (۱۳۹۸). مبانی و موانع حاکم بر مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در جرائم سازمان یافته با چشم اندازی به حقوق انگلستان. ماهنامه جامعه شناسی سیاسی ایران، ۲(۳).

- مهرا، نسرین، نوروزی، بهروز. (۱۳۹۸). سیاست‌گذاری ارکان مسئولیت کیفری در حقوق ایران و انگلستان با نگرشی بر نظرات امام خمینی (س) و دیگر فقها. پژوهشنامه متین، ۲۱(۸۴).
- حبیب زاده، محمدجعفر، و فخرناب، حسین. (۱۳۸۴). مقایسه عوامل موجهه جرم و عوامل رافع مسوولیت کیفری. مدرس علوم انسانی، ۹(۳) (پیاپی ۴۰) ویژه نامه حقوق.
- پور بافرانی، حسن. دیگران. (۱۳۹۲). تفاوت علل موجهه جرم با علل رافع مسئولیت کیفری و آثار آن در حقوق بین الملل کیفری. مطالعات حقوقی، ۵(۲).
- صادقی، محمد هادی، تنهایی، فرزاد. (۱۳۹۶). ماهیت اختیار و جایگاه آن در حقوق کیفری. فصلنامه پژوهش حقوق کیفری، ۶(۲۱).
- امامی، محمد. (۱۴۰۱). بررسی اضطرار به عنوان عامل موجهه جرم در جرم سرقت. فصلنامه رأی (مطالعات آرای قضایی)، ۱۱(۳۹).
- بازگیر، یدالله (۱۳۷۶). سرقت، جعل و خیانت درآرامت در آرای دیوان عالی کشور. تهران. نشرانتشارات حقوقدان، چاپ اول.
- جعفرپور، جمشید، و حسین زاده، لیلی. (۱۳۸۵). بررسی اضطرار در حقوق کیفری ایران با توجه به دیدگاه امام خمینی. فصلنامه متین، ۸(۳۳).
- پارسا پور، محمدباقر. (۱۳۸۲). اضطرار در حقوق مسئولیت مدنی. دوفصلنامه علمی حقوق تطبیقی، ۰(۵).
- گل خندان، سمیرا، خسروی، حسین، رجبی، اکبر، و خلیلی، داوود. (۱۳۸۹). بررسی جایگاه اصل برائت در ادیان. فقه و تاریخ تمدن، ۷(۲۵).
- آقای، محمدعلی. (۱۳۸۸). «قاعده درء» و «اصل برائت»: مجرای شمول: اشتراک یا افتراق. تحقیقات حقوقی آزاد، (۴).
- اکبری گندمانی، حامد، شمعی، محمد. (۱۳۹۷). درآمدی بر مفهوم اصل برائت در پرتو قوانین داخلی و اسناد بین المللی حقوق بشر. مجله حقوقی دانشگاه اصفهان، ۵(۲).
- ب): منابع عربی:
- البحرانی، محمد سنقر علی (۱۴۲۶ هـ ق)؛ المعجم الأصولی؛ المجلد الاول، الناشر: منشورات نقش.
- النجفی الجواهری، الشیخ محمد حسن (۱۳۶۲ ش)؛ جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام؛ محقق و مترجم: قوچانی، عباس، ج ۳۶، ناشر: دار إحياء التراث العربی بیروب.
- شهید ثانی، زین الدین علی (۱۳۸۱ هـ ش)، مسالک الأفهام إلى تنقیح شرائع الإسلام، ج ۱۲، مؤسسه المعارف الاسلامیه، قم.
- النراقی، المولی احمد (بی تا)؛ مستند الشیعة؛ المحقق: مؤسسه آل البيت عليهم السلام لإحياء التراث، ج ۱۵، الناشر مؤسسه آل البيت عليهم السلام لإحياء التراث، قم.